

گونه‌شناسی نقوش حیوانی کاشی‌های لاجوردی دوره ایلخانی

زهره صاحبقرانی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گرایش دوران اسلامی، دانشگاه آزاد، شهرستان ابهر. (zohrehsahebgerani@gmail.com)

رضا رضالو

استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۳/۰۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۶/۱۱)

چکیده

کاشی‌کاری یکی از زیباترین و عرفانی‌ترین شاخه‌های هنر در دوره ایلخانی است که با حمایت هنرمندان برجسته و متعهد، پیشرفت چشمگیری را تجربه کرد. این پیشرفت به حدی بود که حتی دو قرن پس از آن، این دوره به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دوره‌های پیشرفت و تعالی کاشی‌کاری در جهان شناخته می‌شود. تحولات هنر کاشی‌کاری در عصر ایلخانی به صورت تدریجی نبود، بلکه همراه با تغییرات سریع و تا حدودی بنیادین صورت گرفت. در قرن ششم هجری، کاشی‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای و لاجوردی محبوبیت فراوانی یافتند و به‌طور گسترده در کنار آجرهای بدون لعاب به کار گرفته شدند. در این دوره، کاشی‌های لاجوردی با اشکال متنوعی همچون چلیپایی، شش ضلعی، پنج ضلعی، ستاره‌های هشت پر، هشت ضلعی و فرم‌های نامتقارن ساخته شدند. نقوش متعددی که دارای جایگاه فکری و هنری در ایران قبل از اسلام تا دوره ایلخانی بودند، برخی به دلیل نگرش ویژه اسلام به چگونگی نقوش، برای سال‌ها در عرصه هنر ایران حضور نداشتند. با تأسیس حکومت ایلخانی، این نقوش به‌طور چشمگیری حضور خود را بازیافتند. هدف این پژوهش، شناخت مفاهیم نقوش حیوانی به کار رفته در کاشی‌های لاجوردی این دوره است. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده و درصدد پاسخ به این پرسش است که نقوش حیوانی به کار رفته در کاشی‌های دوره ایلخانی، چه مفاهیمی را القا می‌کنند و تحت تأثیر چه فرهنگ‌هایی بوده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر یک از نقوش حیوانی به کار رفته در کاشی‌های لاجوردی، مفاهیم و مظاهر خاصی را القا می‌کنند. از جمله این نقوش می‌توان به غزال دوند، ماهی و پرندگان اشاره کرد.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی نقوش، نقوش حیوانی، کاشی لاجوردی، دوره ایلخانی.

مقدمه

کاشی‌کاری یکی از ویژگی‌های مهم معماری ایرانی به ویژه در دوره اسلامی به شمار می‌رود که از طریق آن نقش، رنگ و بافت خاص برای بناها شکل گرفت. در دوره ایلخانی کاشی لاجوردی در اشکال و اندازه‌های مختلف و با طرح‌ها و نقوش گوناگون مورد استفاده قرار می‌گرفت. از تکنیک‌های به کار رفته در دوره ایلخانی می‌توان به تکنیک کاشی با لعاب یکرنگ، زیر لعاب، روی لعاب، کاشی معرق و معقلی، لعاب پران و کاشی‌های کتیبه‌ای سفالینه و کاشی‌های مینایی و زرین فام اشاره کرد. تنوع نقوش به کار رفته در کاشی‌های دوره ایلخانی شامل انواع نقوش گیاهی، حیوانی، انسانی، هندسی و ترکیبی است که در هر یک از مراکز کاشی‌کاری اجرا می‌گردید. نمونه سالم آنها در برخی موزه‌ها و گنجینه‌های داخل و خارج کشور نگهداری می‌شود. هدف از انجام این پژوهش شناخت مفاهیم نقوش حیوانی کاشی‌های لاجوردی این دوره است. در دوره ایلخانی به لحاظ اهمیت دادن ایشان به تزئینات به‌طور گسترده از کاشی‌کاری نقوش حیوانی در ابنیه استفاده شده است. در اینجا ما درصدد هستیم تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: دلایل اصلی کاشی‌کاری لاجوردی با نقوش حیوانی دوره ایلخانی چه بوده است؟ تنوع نقوش حیوانی بکار رفته در کاشی‌های این دوره کدامند؟

کاشی‌کاری تنها هنری است که از هزاران سال پیش از تاریخ تا امروز ادامه یافته است. در جهان اسلام، به ویژه ایران، این هنر از نظر سبک‌ها، تحول و روش‌های فنی،

فراوانی رنگ‌ها و فرم‌ها با دیگر هنرهای کهن نه تنها قابل مقایسه نیست، بلکه از آنها ارزشمندتر است، زیرا قابلیت مطالعاتی بالایی دارد. در این پژوهش در پی آن هستیم تا کاشی‌های لاجوردی دوره ایلخانی را بررسی کرده و با راهکار مفاهیم نهفته به گونه‌شناسی نقوش حیوانی کاشی‌های این دوره بپردازیم.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه کاشی‌کاری و سفال‌گری دوره اسلامی انجام شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. سرفراز و کیانی (۱۳۴۷) در کتاب *تخت سلیمان* به بررسی کاشی‌های تزئینی دوره اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها اشاره کرده‌اند که کاشی‌های زرین‌فام از جمله کاشی‌های تزئینی این دوره هستند که سابقه ساخت و استفاده از آن‌ها به قرون اولیه اسلامی بازمی‌گردد. تولید این نوع کاشی‌ها، مشابه سفالینه‌های زرین‌فام، پس از مدت کوتاهی متوقف شد. نقوش به‌کار رفته بر روی این کاشی‌ها شامل اشکال حیوانی، انسانی، گیاهی و هندسی است. همچنین، نگارش اشعار فارسی، ضرب‌المثل‌ها، احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به شیوه‌های متنوع و موزون، از دیگر تزئیناتی است که معمولاً در حاشیه این کاشی‌ها دیده می‌شود. در دوره مغول، برجسته‌کاری روی کاشی‌ها رواج یافت و تعداد زیادی از کاشی‌های ستاره‌ای شکل این دوره با کتیبه‌هایی در حاشیه و نقوش انسانی، حیوانی یا گل و گیاه در مرکز تزئین شده‌اند. از دیگر نقوش رایج، نقش اژدها است که بیشتر به‌صورت

سلسله ایلخانی در ایران، سلسله یوان به رهبری قوبلای قآن در چین شکل گرفت. تلاش‌های قوبلای برای پیشرفت تجارت بین چین و دیگر نقاط جهان و روابط نزدیک او با هلاکوخان، باعث رونق دوباره کاروان‌هایی شد که پس از حمله مغولان دچار رکود شده بودند. همچنین، هجوم مغولان باعث جابه‌جایی صنعتگران از نواحی شرقی به شهرهای غربی ایران شد و از طریق جاده ابریشم، هنرمندان چینی به خدمت ایلخانان درآمدند. در نتیجه، ظروف چینی در بازارهای مراغه، تبریز و سلطانیه رواج یافت.

تاریخچه کاشی‌کاری در ایران

اولین آثار باقی‌مانده از هنر کاشی‌کاری به معبدی در بین‌النهرین مربوط می‌شود که متعلق به نیمه دوم هزاره قبل از میلاد است. ستون‌های این معبد با استفاده از عاج، صدف و سنگ‌های رنگی تزئین شده‌اند. پس از این دوره، نمونه‌های کامل‌تری از کاشی‌های دیواری در قصرهای آشور و بابل و همچنین در کشفیات مارلیک مشاهده شده‌است. در ایران، استفاده از کاشی به دوران پیش از تاریخ بازمی‌گردد.

شبستان گنبددار مسجد جامع قزوین از نخستین نمونه‌هایی است که در آن از کاشی‌های تزئینی استفاده شده‌است. در قرن ششم هجری قمری، کاشی‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای و لاجوردی رواج یافتند و در قرن هشتم، کاشی‌های ساخته‌شده از خمیر سنگ یا خمیر چینی مورد استفاده قرار گرفتند. از قرن نهم هجری قمری، نمونه‌های متنوعی از کاشی‌های معرق باقی مانده است.

برجسته روی کاشی‌های مستطیل شکل و به صورت ساده روی کاشی‌های شش ضلعی و هشت ضلعی دیده می‌شود. نوشته‌های دور کاشی‌های کتیبه‌دار معمولاً بر زمینه لاجوردی و به رنگ قهوه‌ای اجرا شده‌اند.

کیانی، کریمی و قوچانی (۱۳۶۲) در کتاب *مقدمه‌ای بر هنر کاشی‌کاری ایران* بیان کرده‌اند که نگارش بر سفالینه و کاشی در تمام ادوار اسلامی، یکی از تزئینات مهم و مورد علاقه سفالگران بوده است. این نگارش‌ها گاه تحت تأثیر عقاید و گرایش‌های مذهبی و گاه متأثر از ادبیات شکل گرفته‌اند و زیبایی و جلوه‌ای خاص به این هنر سنتی ایران بخشیده‌اند. شیوه نوشته‌ها بر ظروف سفالی در طول زمان تغییر کرده و به سبک‌های گوناگون روی سفالینه و کاشی‌ها آراسته شده‌است.

کریمی و کیانی (۱۳۶۴) در کتاب *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران* اشاره کرده‌اند که ساخت کاشی‌های سفالی یکرنگ از متداول‌ترین شیوه‌های سفال‌گری در ایران بوده که هم در دوران پیش از اسلام و هم در دوران اسلامی رواج داشته است. با این حال، تحول و پیشرفت ساخت کاشی‌های لعاب‌دار یکرنگ در دوران سلجوقی و ایلخانی چشمگیر بود. این تحول شامل تزئینات متنوعی مانند نقش‌های کنده‌کاری شده و قالب‌زده است که توسط هنرمندان کاشی‌ساز بر روی کاشی‌های لعاب‌دار یکرنگ اجرا می‌شد.

رفیعی (۱۳۷۷) در کتاب *سفال ایران از آغاز تا عصر حاضر* بیان کرده‌است که هنر کاشی‌سازی در دوره ایلخانی با تحولات مهمی در نوع ساخت، تزئینات و لعاب‌کاری کاشی‌ها مواجه شد. همزمان با تشکیل

کاشی‌کاری عصر ایلخانی

در دوره ایلخانی، تکنیک استفاده از لعاب لاجوردی بدون افزودن رنگ‌های دیگر رواج داشت. در ۱۵ سال پایانی قرن هفتم، رنگ لاجوردی نیز به تدریج در این تکنیک مورد استفاده قرار گرفت. پس از رواج تکنیک نقاشی زیر لعاب لاجوردی، از رنگ‌هایی مانند آبی لاجوردی، سیاه و قرمز برای تزئین کاشی‌ها استفاده شد. در این روش، کاشی‌ها بر اساس طرح‌های اصلی کنار هم قرار می‌گرفتند و برای تزئین محراب‌ها به کار می‌رفتند. در این دوره، تزئینات لاجوردی جایگزین تکنیک مینایی شد. در تکنیک لاجوردی، قطعات با رنگ‌های لاجوردی، سفید و گاهی فیروزه‌ای لعاب داده می‌شدند و سپس با رنگ‌های قهوه‌ای، قرمز و سیاه تزئین شده و دوباره در کوره قرار می‌گرفتند (سرام پخش، ۱۳۹۸).

ویژگی‌های سفالینه و کاشی‌های دوره ایلخانی

از ویژگی‌های بارز سفالینه و کاشی‌های دوره ایلخانی، تنوع در تکنیک‌های ساخت و تزئینات است. این تزئینات شامل نقوش هندسی، گیاهی (مانند برگ‌های اسلیمی و طوماری)، حیوانی (مانند غزال دونده، ماهی و پرندگان)، انسانی (مانند مجالس رقص و شکار) و کتیبه‌هایی از اشعار فارسی، ضرب‌المثل‌ها و دعا‌های معروف بوده است. همچنین، تزئینات برجسته و نقش‌های قالبی از دیگر ویژگی‌های این دوره است. هنر کاشی‌سازی دوره ایلخانی را می‌توان عصر طلایی کاشی‌سازی دوره اسلامی نامید، چرا که این هنر به دلیل در دسترس بودن مواد اولیه، در سرزمین‌های مختلف

رواج داشته و بازتابی از خلاقیت و ابداعات جوامع گذشته است. هنر کاشی‌سازی همزمان با هجوم مغولان به ایران، به جز در چند شهر، دچار رکود شد. با این حال، از اواسط قرن هفتم هجری، کارگاه‌های جدید کاشی‌سازی در شهرها و مراکز تحت حکومت ایلخانیان تأسیس گردید و این هنر مجدداً رونق یافت. **تکامل تکنیک‌ها و ظهور تکنیک‌های جدید در کاشی‌سازی**

هجوم مغولان به ایران خسارات فراوانی به هنر سفال‌گری و کاشی‌سازی وارد کرد و بسیاری از هنرمندان را مجبور به مهاجرت نمود. سفالگران کاشان در دهه‌های پیش از هجوم مغولان به برخی از مراکز دیگر مهاجرت کرده و در آنجا به تولید ظروف و کاشی‌های تکرنگ منقوش زیر لعابی و زرین‌فام ادامه دادند (اتینگهاوزن، ۱۳۷۸: ۵۱۵). با این حال، پس از فروکش کردن حملات مغولان، هنر سفال‌گری و کاشی‌سازی تحت حمایت ایلخانیان دوباره شکوفا شد و توسعه چشمگیری یافت. هلاکو و جانشینان او از هنرمندان و صنعتگران حمایت کرده و حتی در جنگ‌ها سعی می‌کردند صاحبان صنایع و هنرها را از آسیب حفظ کنند (محمدحسن زکی، ۱۳۸۴: ۳۱).

کاشی لاجوردی

کاشی لاجوردی به‌عنوان یکی از ابتدایی‌ترین تکنیک‌های سفال‌گری در ایران شناخته می‌شود. لاجورد در ایران به معنی سنگ لاجورد است و زمانی که کاشی‌های مینایی با ورود مغولان از رده خارج شدند، کاشی‌های لاجوردی جایگاه خود را به‌عنوان

شیوه ساخت ظروف لاجوردی را می‌توان نوع ساده‌تری از مینائی دانست که در زمان ایلخانیان پس از فراموش شدن ساخت ظروف مینائی متداول گردید (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۶۰). کاشی با لعاب لاجوردی در اشکال مختلف شش ضلعی، پنج ضلعی، چلیپائی، ستاره‌ای هشت پر و هشت ضلعی و فرم‌های نامتقارن ساخته شده‌اند. اگر نقوش برجسته هستند که بیشتر تک رنگ و گاه با نقوش سفید تزئین شده‌اند.



شکل ۲. کاشی شمسه - چلیپای لاجوردی و فیروزه‌ای
طلاچسبان «موزه هنر لس آنجلس».

کاشی‌های نقوش طلاچسبان از نقش حیوانات به خصوص شیر و غزال و حیوانات اساطیری نظیر سیمرغ اژدها می‌باشد. گاه تزئیناتی به صورت خال‌های سفید روی کل سطح کاشی دیده می‌شود. در طلاچسبان‌های با نقوش حیوانی، نقوش گیاهی در پس‌زمینه نقوش حیوانی قرار دارند. در کاشی‌های طلاچسبان با نقوش گیاهی که تعداد بسیار کمی از آنها با آن نقوش تزئین شده‌اند گل‌ها دورگیرهای به رنگ قرمز و گاه سیاه دارند.

یک ابزار لوکس با تزئینات طلاکاری لعابی پیدا کردند. این کاشی‌ها به راحتی از طریق لعاب کوبالت (آبی) قابل تشخیص هستند. همچنین، این اصطلاح شامل محصولاتی با لعاب فیروزه‌ای مایل به سبز نیز می‌شود (داگلاس پیکت، ۱۹۹۷: ۴۷).

پس از منسوخ شدن تکنیک مینایی، تکنیک دیگری که در میان متخصصان سفال اسلامی به شیوه لاجوردی معروف شد، در برخی از مراکز کاشی‌سازی ایران رواج یافت. کاشی لاجوردی تقلیدی از میناکاری چینی بود و در آن، ظروف با لعاب لاجوردی طلاکاری می‌شدند. این فن، که نوعی نقاشی روی لعاب محسوب می‌شد، ساده‌تر از تکنیک مینایی بود (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۸۲). لعاب لاجوردی هم برای پوشش ظروف بدون نقش و هم برای تزئینات نقوش به کار می‌رفت. پس از اعمال لعاب لاجوردی، کاشی‌ها با رنگ‌های دیگر تزئین می‌شدند. این لعاب گاهی به عنوان زمینه برای نقوش دیگر نیز استفاده می‌شد.



شکل ۱. کاشی لاجوردی موزه ایلخانی - مراغه (نگارنده، ۱۳۸۹).

شدند. در شیوه کاشی‌سازی با تزئین مینائی که روی پخت با حرارت کم هم نامیده شده، یکی از دشوارترین مراحل ساخت در صنعت کاشی‌سازی بوده، زیرا احتیاج به دو یا چندین بار حرارت و هر بار با درجه متفاوت را داشته است. (رفیعی، ۱۳۷۷: ۵۸).



شکل ۴. کاشی مینایی موزه گنبد سلطانیه (نگارنده، ۱۳۸۹).

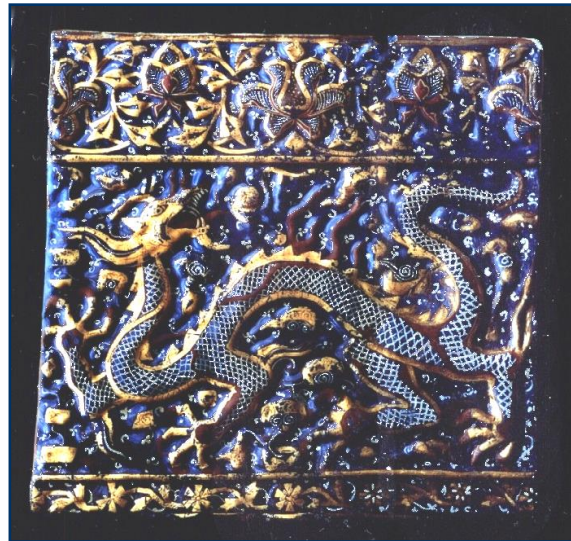
نقوش حیوانی

در دوره ایلخانی نقوش به کار رفته در کاشی‌ها متنوع بوده است و جایگاه این نقش‌مایه‌ها در فرهنگ اساطیری و باورهای آئینی و دینی مردمان ایران جهت تسهیل نمودن مسیر بررسی نقوش کاشی‌ها به شرح ذیل گروه‌بندی می‌شود:

- ۱- نقوش حیوانی، ۲- نقوش گیاهی، ۳- نقوش انسانی، ۴- نقوش اساطیری
- ما در این پژوهش به بررسی نقوش حیوانی و جایگاه آن در تاریخ ایران زمین می‌پردازیم.

شیر

شیر، به‌عنوان یک حیوان اساطیری، نماد و سمبل ایران بوده و مردم این سرزمین نگاه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. این حیوان در بسیاری از آثار هنری ایران در حالت‌های مختلف به تصویر کشیده شده‌است. شیر در فرهنگ و



شکل ۳. کاشی لاجوردینه طلاچسبان پیش‌بر با نقش اژدها «گنجینه اسلامی موزه ملی ایران».

رنگ‌های آبی فیروزه‌ای سفید اخرائی و طلائی بر روی پوشش لعاب لاجوردی به کار می‌رفته است. تزئینات شامل نقوش هندسی، گل و گیاه طوماری و اسلیمی بوده که گاهی به صورت ساده و گاهی برجسته به کار می‌رفتند (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۶۰). نوع دیگر میناکاری که ابوالقاسم آن را لاجوردی نام نهاده شامل رنگ‌های قرمز، سفید، سیاه و طلائی است که بر رویه زمینه آبی (لاجوردی) موفلی با رنگ فیروزه‌ای لعاب‌کاری شده در حالی که برای رنگ طلائی از ورقه‌های بسیار نازک طلا به شکل مورد نظر بریده شده استفاده گردیده است. در شهر قونیه ترکیه کاشی‌های قرن (۱۳ م) کشف گردیده است.

کاشی مینائی

سفال و کاشی با طرح روی لعاب در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی، همزمان با سفال‌ها و کاشی‌های لعاب یکرنگ در شهرهای مهم نظیر نیشابور، ری، ساوه، کاشان، سلطان‌آباد، تخت سلیمان و سلطانیه متداول

فرشتگان است. شاخ گاو نمادی برای استدلال، علوم عقلی و نقلی، مقدس‌مآبی و به‌طور کلی آنچه اسباب تفاخر و غرور شود، به‌شمار می‌رود (تاج‌دینی، ۱۳۸۶: ۷۴۳ و ۷۴۵).

شتر

شتر نماد صبر، تحمل و استقامت است و به‌عنوان حیوان کویر و خشکی شناخته می‌شود. نام زرتشت از این حیوان مشتق شده است. چهارمین تجلی ایزد بهرام در هیئت «شتر نرم و باربر» بوده است. در آیات ۷۳-۷۹ سوره اعراف قرآن مجید، از این حیوان در قالب شتر صالح پیامبر در داستان قوم ثمود یاد شده است و در آیه ۱۳ سوره شمس، این شتر «ناقه الله» خوانده شده است. در ادبیات فارسی نیز، نام این حیوان به‌کرات آمده است (باحقی، ۱۳۸۶: ۳۸۴ و ۳۸۵).

فیل

فیل از دیرباز مرکوب خدایان و پادشاهان بوده و عاج سفید آن نماد استحکام و پاکی به‌شمار می‌رفته است. در هند، خدایانی با سر فیل به‌عنوان نماد خردمندی پرستش می‌شدند و فیل مظهر خرد الهی و علامت خورشید دانسته می‌شد (طاهری، ۱۳۸۱: ۷۶).

گوزن

گوزن نماد طول عمر و ثروت است. برای دائوئیست‌ها، گوزن نشان‌دهنده بهره‌وری و درآمد دولتی است. در چین، همانند اروپا، شکار گوزن یک امر اشرافی محسوب می‌شد. گوزن معمولاً به‌صورت خالدار و در حال خوردن قارچ «لینگ‌چی» به تصویر کشیده می‌شود. قارچ لینگ‌چی ممکن است نمادی از

هنر ایران، چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده که اغلب به دلیل نمادین بودن قدرت و شجاعت او شکل گرفته است. شیر با صفاتی همچون شجاعت، دلیری، مردانگی و قدرت، در توصیف دلاوری قهرمانان به‌کار رفته و نماد سستی قدرت است. از منظر جایگاه این حیوان در میان اقوام ایرانی، شیر به‌عنوان نشان پنجم از برج‌های آسمانی شناخته می‌شد و نماد آتش نیز بود. آتش در فرهنگ ایرانی از حرمت بالایی برخوردار است و این موضوع اهمیت شیر را دوچندان می‌کند. شیر همچنین از درجات متشرفان بلندپایه آیین مهری است. وجه تشابه این متشرفان با شیر آن است که مانند شیر می‌غرند (ورمارزن، ۱۳۷۲: ۱۶۸). علاوه بر این، چهارمین مرتبه از هفت مرحله سلوک در کیش مهر، مقام شیر است که نخستین مرتبه از مراتب عالی محسوب می‌شود. در این مرحله، شیر مسئولیت مراقبت از شعله مقدس آتشدان را بر عهده دارد (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

گاو

گاو در نزد ایرانیان به‌عنوان جان جهان شناخته می‌شود و همان حیوان نخستینی است که در اساطیر کهن ایران کشته می‌شود و عناصر اربعه حیات از او پدید می‌آیند. در ریگ‌ودا و اوستا، گاو شیرده منبع اصلی امرار معاش جامعه است و نماد آفرینش حیوان سودمند، نشان‌دهنده رنج و ستمی است که نیکی از شر می‌بیند، و نماد انسان خیر و باانصاف است. از دیدگاه مولانا، گاو رمز نفس اماره است. حقیقت انسان مقام روح اوست که برتر از

نیز ذکر شده است. در این تفسیر، ماهی، خورشید و صلیب هم‌داستان می‌شوند و نمادهایی از مفاهیم کیهانی و معنوی را ارائه می‌دهند.

پرنده

پرنده تصویر روح است که از جسم می‌گریزد یا تنها عهده‌دار وظایف ذهنی است. به‌طور کلی، پرندگان نماد مراحل معنوی، فرشتگان و مرحله برتر وجود هستند. مرغ نماد جان یا نفس است، به این معنا که نفس خود را به‌صورت ذات بالدار می‌بیند که به سوی عالم افلاک، که موطن اوست، پرواز می‌کند. این نماد، رمزی بسیار کهن است (ستاری، ۱۳۷۲: ۱۱۱).

درنا

درنا در فرهنگ چینی با نام‌های «هو» یا «هاندا» شناخته می‌شود. این پرنده به‌عنوان نماد عمر طولانی و نشان‌دهنده «شوشینگ»، خدای دائویی طول عمر، یکی از خدایان شادی محسوب می‌شود. درنا پیام‌آور خدایان بود و الواح سرنوشت بشر (گاهی به‌صورت یک تومار یا ترکه) را به زمین می‌آورد.

در هنر چینی، درنا به‌طور مکرر بر روی ظروف سفالی دوره مینگ به تصویر کشیده شده است. در نقاشی‌های معابد چینی، درنا ارواح مردگان را به آسمان می‌برد و ممکن است زیر درخت کاج یا بر روی سنگ پشت، که هر دو با طول عمر مرتبط هستند، قرار داشته باشد (هال، ۱۳۸۰: ۴۹).

توهم‌آوری باشد. وضعیت دیگری نیز وجود دارد که در آن ادرار گوزنی که این قارچ را خورده است، توهم‌زا است و این موضوع اساس فرقه و فرهنگ شمنیستی را تشکیل داده است (Hall, 1994).

اسب

واژه اسب از مصدر «اک» در زبان آریایی به معنی تند رفتن گرفته شده است. این حیوان از آغاز توسط آریایی‌ها وارد ایران شد و از جایگاه ارزنده‌ای در نزد ایرانیان برخوردار است. بهرام، خدای جنگ، در یکی از تجلیات خود به شکل اسب ظاهر می‌شود. ایرانیان برای این حیوان اهمیت زیادی قائل بودند و از دیرباز اسب را به‌عنوان یاری وفادار، چالاک، زیبا و سرفراز می‌ستودند.

قوچ و بز

قوچ نماد اصل مذکر، قدرت تولیدمثل، وفور نیروی حیاتی، انرژی آفریننده و بسیاری از نمادهای دیگر است. این حیوان در فرهنگ‌های مختلف به‌عنوان نماد قدرت و باروری شناخته می‌شود.

ماهی

ماهی، همچون نیلوفر، ارتباط آشکاری با افسانه پرورش تخمه «شوشیانت» در آب دارد. علاوه بر این، در بسیاری از نقوش برجای‌مانده از آیین مهر، ماهی در کنار «میترا» نقش شده است. ماهی همچنین نمادی از تصویر منطقه البروج است که در تفسیر معانی صلیب

جدول ۱. نقوش حیوانی

نوع نقوش	تصاویر	محل کشف مشخصات	ماخذ	محل نگهداری	نماد
شیر		کاشی لاجوردی طلاچسبان با نقش شیر	ورمارزن (۱۳۷۲: ۱۶۸)	گنجینه اسلامی موزه ملی ایران	نماد سمبل ایران زمین از درجات متشرفان بلند پایه آیین مهری
گاو		کاشی زرین فام از نوع تولیدات ری	تاج‌دینی (۱۳۸۶: ۷۴۳)	موزه ویکتوریا لندن: ۱۸۹۰	نماد آفرینش حیوان سودمند، نماد انسان خیر و با انصاف
شتر		کاشی هشت پر با نقش شتر	حقی (۱۳۸۶: ۳۸۴)	سلیمان	نماد صبر و تحمل و استقامت، حیوان کویر خشکی و آفتاب
فیل		کاشی زرین فام با نقش فیل دوره ایلخانی	طهوری (۱۳۸۱: ۷۶)	کاشان	عاج سفید آن نماد استحکام و پاکی
گوزن		کاشی زرین فام، کاشان دوره ایلخانی	ترین ۱۲۵، گنجینه اسلامی موزه ملی ایران		نماد طول عمر و ثروت

نوع نقوش	تصاویر	محل کشف مشخصات	ماخذ	محل نگهداری	نماد
اسب		کاشی مینایی و اواخر سده ششم	زمردی (۱۳۸۵: ۸) نگارخانه هنری فریر واشینگتن		آزادی زیبایی اندام، پایداری سرعت و حرکت قدردانی، هوش و نیرومندی
قوچ و بز		کاشی با نقش بز	تخت سلیمان نگارنده: ۱۳۸۹		نماد اصل مذکر، قدرت تولید مثل، وفور نیروی حیاتی، انرژی آفریننده
ماهی		نقش ماهی	تخت سلیمان نگارنده: ۱۳۸۹		نمادی از تصویر منطقه البروج، تصویر معانی صلیب
پرند		نقش پرند	گنبد سلطانیه نگارنده: ۱۳۸۹		نماد فرشتگانند که در مراتب برتر وجود جای دارند
درنا		کاشی هشت پر بالدار با نقش درنا	هال (۱۳۸۰: ۴۰۹) موزه مراغه		نماد عمر نشان شوشینگ، خدای دائویی طول عمر یکی از خدایان شادی

نقوش گیاهی

تقریباً در تمام کاشی‌ها نقوش گیاهی وجود دارد. کاشی‌ها با فرم چلیپا که عمدتاً دارای نقش گیاهی هستند. نقوش گیاهی شامل موارد زیر می‌شود.

درخت سرو یا کاج

سرو خمره‌یی به برکت عمر طولانی و همیشه سبز بودنش در میان بسیاری از اقوام، درخت زندگی نام گرفته است. بر روی یادمان‌های مربوط به میترا (مهر)، هفت سرو دلالت بر هفت سیاره دارد، که روح در سفر خود به سوی آسمان از آنها می‌گذرد (هال، ۱۳۸۳: ۲۹۳).

نیلوفر

در نیلوفر ترکیبی از آب (نشانه حیات) و خورشید (نشانه گرما روشنایی و نعمت) خود را نشان می‌دهند (الیاده، ۱۳۷۵: ۲۵۵).

گل

گل در فرهنگ ایران نماد زیبایی و لطافت است و هر آنچه را بخواهید زیبا و لطیف تعبیر کنند، به گل تشبیه می‌کنند. گل‌ها در واقع اغلب به صورت الگوی ازلی روح و یک مرکز روحی عرضه می‌شدند (شوالیه، ۱۳۸۵: ۷۴۲-۷۳۷).

نقوش انسانی

هاله نور برگرد سر پیکره‌های انسانی

در نقش هاله نور برگرد سر شمایل‌های انسانی ارتباطی تنگاتنگ با خورشید دیده می‌شود که از فرهنگ اوستایی ریشه گرفته و (خورنه) به معنی خورشید خوانده می‌شود. و هاله درفشانی است که توسط اهورا مزدا به پادشاه دادگر (افراد برگزیده) ارزانی می‌گردد. معادل فارسی آن (فر) یا (فرنه) گفته شده که در شاهنامه به کرات ذکر آن به کار رفته است (بهار، ۱۳۸۴: ۳۲).

نقوش اساطیری

از جمله نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی رایج بر روی کاشی‌های زرین فام و کاشی لاجوردی که به نحوی با اسطوره و فرهنگ عامه مردمان گذشته پیوندی ناگسستنی داشته و به خوبی در آثار هنری از جمله کاشی‌ها این دوره دیده می‌شود، می‌توان به نقوش اساطیری و واقعی زیر نیز اشاره کرد.

اژدها

اژدها، نماد پیچیدگی از حالت پیش از تعیین‌پذیری گیتی، رمزی از واحد نامقسوم ازلی قبل از آفرینش است (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۷۶).


سیمرغ

از مهمترین پرندگان است که از دوران باستان در فرهنگ و هنر ایرانی حضوری بارز داشته است ولی تصور کردن این پرنده به شیوه رایج در تصویر ققنوس در فرهنگ چینی، این تفکر عمومی را به دنبال دارد که این پرنده از هنر چینی وارد هنر ایرانی شده است. در اوستا، نام این پرنده به صورت سن آمده و در اشعار متقدمان با لفظ سیرنگ از آن یاد شده است (پورداد، ۱۳۷۷: ۵۷۵).

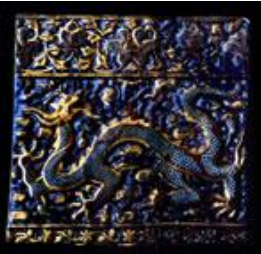
جدول ۲. نقوش گیاهی

نوع نقش	تصاویر	محل کشف مشخصات	مأخذ	محل نگهداری	نماد
درخت سرو یا کاج		کاشی زرین فام از نوع تولیدات ری	(هال، ۱۳۸۳: ۲۹۳) موزه ویکتور یا لندن ۱۸۹۰		سرو خمره‌یی به برکت عمر طولانی و همیشه سبز
نیلوفر		کاشی زرین فام با نقش نیلوفر	تخت سلیمان: نگارنده ۱۳۸۹		نیلوفر گل رمزی است که ریشه‌هایش در زمین فرو رفته
گل		کاشی زرین فام از نوع تولیدات ری	(شوالیه، ۱۳۸۵: ۷۳۷-۷۴۲) موزه ویکتور یا لندن ۱۸۹۰		گل در فرهنگ ایران نماد زیبایی و لطافت

جدول ۳. نقوش انسانی

نوع نقش	تصاویر	محل کشف مشخصات	مأخذ	محل نگهداری	نماد
هاله نور برگرد سر پیکره انسانی		کاشی زرین فام ستاره‌ای با نقوش انسانی	(تخت سلیمان، نگارنده: ۱۳۸۹)		حقیقت انسانی و اتحاد میان نیروهای مختلف خیر و شر

جدول ۴. نقوش اساطیری

نوع نقش	تصاویر	محل کشف مشخصات	مأخذ	محل نگهداری	نماد
اژدها		کاشی لاجوردی با نقش اژدها	(بهار، مهرداد، ۱۳۸۴: ۳۲) گنجینه موزه ایران باستان		نماد شر و گرایش‌های شیطانی
سیمرغ		کاشی زرین فام پیش بر با نقش سیمرغ	(لاهیجی، ۱۳۷۴: ۱۳۰) موزه متروپولتین		سیمرغ و کوه قاف از کنایات معروف عرفانی است

نتیجه‌گیری

با تحلیل داده‌های ارائه‌شده در جداول ۱ تا ۴ و بررسی نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی و اساطیری، می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از کاشی‌های لاجوردی با نقوش حیوانی در دوره ایلخانی نسبت به سایر گونه‌ها، از جمله نقوش انسانی، گیاهی و اساطیری، بیشتر بوده است. کاشی‌های لاجوردی این دوره از نظر شکلی در شش نوع چلیپایی، هشت‌پر، پنج‌ضلعی، شش‌ضلعی، ستاره هشت‌پر، هشت‌ضلعی و فرم‌های نامتقارن قابل طبقه‌بندی هستند. همچنین، این کاشی‌ها از نظر نقوش حیوانی و گیاهی نیز قابل دسته‌بندی می‌باشند. بررسی کاشی‌های لاجوردی نشان می‌دهد که این کاشی‌ها تقلیدی از میناکاری چینی بوده و در زمینه لاجوردی با تزئینات طلاکاری ساخته می‌شدند. این تکنیک، که نوعی نقاشی روی لعاب محسوب می‌شود، ساده‌تر از

شیوه ساخت کاشی‌های مینایی است. لعاب لاجوردی علاوه بر استفاده به‌عنوان پوشش ظروف بدون نقش، برای تزئینات نیز به‌کار می‌رفته است. پس از اعمال لعاب لاجوردی، کاشی‌ها با رنگ‌های دیگر تزئین می‌شدند. در ساخت ظروف لاجوردی، این تکنیک را می‌توان نوع ساده‌تری از تکنیک مینایی دانست. در زمینه کاشی‌های طلاچسبان، از نقوش حیوانی به‌ویژه شیر، غزال و حیوانات اساطیری مانند اژدها و سیمرغ استفاده شده است. گاهی نیز تزئیناتی به‌صورت خال‌های سفید روی این کاشی‌ها قابل مشاهده است.

منابع

اتینگهاوزن، ریچارد (۱۳۷۸). هنر و معماری اسلامی ایران (چاپ اول). ترجمه یعقوب آژند. تهران: سمت.
بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۶). هنر مقدس. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.

- بهار، مهرداد (۱۳۸۴). از اسطوره تا تاریخ. گردآورنده و ویراستار ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: چشمه.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷). یشتها (جلد ۱ و ۲). تهران: اساطیر.
- تاجدینی، علی (۱۳۸۶). فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه مولانا. تهران: سروش.
- رفیعی، لیلا (۱۳۷۷). سفال ایران از آغاز تا عصر حاضر. تهران: یساولی.
- زکی، محمدحسن (۱۳۷۷). هنر ایران. ترجمه محمدابراهیم اتعلیدی (چاپ اول). تهران: صدای معاصر.
- زمردی، حمیرا (۱۳۸۵). نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، منطق‌الطیر. تهران: زوار.
- ستاری، جلال (۱۳۷۲). مدخلی بر رمزشناسی عرفانی. تهران: مرکز.
- سرفراز، علی‌اکبر، کیانی، محمد یوسف (۱۳۴۷). تخت سلیمان. تهران: مؤسسه تاریخ فرهنگ ایران.
- شوالیه، ژان، گربان، آلن (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها (جلد چهارم). ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- صاحبقرانی، زهره (۱۳۹۰). گونه‌شناسی دوره ایلخانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اهر.
- طاهری، نیر (۱۳۸۱). کتاب ماه هنر. خرداد و تیر ۱۳۸۱.
- کربن، هانری (۱۳۷۴). ارض ملکوت تا کالبد انسان در روز رستاخیر ایران: مزدیابی تا ایران شیعی. ترجمه ضیاءالدین دهشیری. تهران: طهوری.
- کریمی، فاطمه، کیانی، محمد یوسف، قوچانی، عبدالله (۱۳۶۲). مقدمه‌ای بر هنر کاشی‌کاری ایران. تهران: موزه رضا عباسی.
- لاهیجی، شیخ‌محمد (۱۳۷۴). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز. با مقدمه کیوان سمیعی. تهران: سعدی.
- ورمارزن، مارتن (۱۳۷۲). آئین میترا. ترجمه بزرگ نادرزاده. تهران: چشمه.
- هال، مری (۱۳۸۰). امپراطوری مغول (چاپ دوم). ترجمه نادر میرسعیدی. تهران: ققنوس.
- هینلز، جان (۱۳۸۵). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). اسطوره، رؤیا، راز. ترجمه رویا منجم. تهران: فکر روز.

Hall, J. (1994). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art*. Harper Collins.